

# ریشه شناسی نام روستای سهلان

(قدرت ابوالحسنی سهلان، چاپ شده در ماهنامه ائل بیلیمی (تبریز)، تیرماه سال ۱۳۹۵، شماره ۷۸)

## (۱) مقدمه

اسم روستایی که امروزه در مکاتبات رسمی به سهلان مشهور شده است، هنوز توسط اهالی آن و روستاهای نزدیک به شکل‌های دیگری نیز تلفظ میشود. مانند ساآلان (Saalan)، ساوالان (Savalan) و ساغلان (Sağlan). همچنین در گذشته، اسم این روستا به صورتهای مختلفی مکتوب گشته است. مثل سهلان (Səhlan)، ساوالان (Savalan)، ساهالان (Sahalan) و سبلان (Səbəlan).

همانطوریکه دیده میشود، همه نامها به هم نزدیک میباشند. اما اینکه ریشه این نامها چه میباشد، موضوعی است که در این نوشته، با توجه به معلومات در دسترس، به آن پرداخته میشود. در اینجا، مبنا تلفظ مردم خود روستا و منطقه میباشد. به طور طبیعی هم، از دیدگاه زبان ترکی به موضوع نگاه میشود.

## (۲) تلفظ مردم روستا و روستاهای نزدیک

اغلب اهالی مسن روستا، نام آنرا ساآلان تلفظ میکنند. برخی از این افراد هم به روستایشان با نام ساوالان اشاره مینمایند. افراد مورد پرس و چویی که اصلیت سهلانی داشته و در حال حاضر در جاهای دیگر زندگی میکنند، نیز، روستا را بیشتر ساآلان و کمتر ساوالان تلفظ مینمایند. اما تا همین ۳۰ سال پیش، اغلب قریب به اتفاق روستائیان، نام روستا را سهلان تلفظ نمیکردند و حتی نمیدانستند این لفظ روستای آنها را مورد خطاب قرار میدهد.

تا جاییکه من پرس وجو کرده ام، اهالی مسن روستاهای نزدیک، مانند اهالی خود روستا، نام روستا را بیشتر بصورت ساآلان بیان مینمایند. با اینحال برخی از اهالی مسن روستاهایی مانند تازه کند، آلوار سفلی، مایان سفلی و غیره به این روستا با نام ساغلان (Sağlan) اشاره مینمایند که جالب توجه میباشد.

## (۳) مرسومترین تلفظ روستا و ریشه شناسی آن

مرسومترین تلفظ نام روستا، توسط افراد مسن، ساآلان (Saalan) میباشد. در این مورد، این اسم در دو هجا و بصورت ساآ (Saa)+لان (lan) تلفظ میشود. همانطویکه مشخص است، هجای اول این تلفظ شامل دو حرف صدادار متوالی بوده و شبیه مد زبان عربی میباشد. قابل ذکر است که در زبان ترکی، در هر هجا فقط یک حرف صدادار میتواند وجود داشته باشد و در آن زبان حروف صدادار کشیده مانند مد وجود ندارد. با توجه به این مطلب، کلمه اصلی شامل سه هجا خواهد بود. هجای اول، سا یا سا بعلاوه یک حرف بیصدای ساکن خواهد بود که موقع تلفظ حذف شده است. با عنایت به وجود نامهای دیگر، این حرف بیصدای ساکن محذوف میتواند "غ"، "ه" و یا "و" باشد. در اینصورت کلمه اصلی ساغ آلان، ساه آلان و یا ساو آلان میباشد. هجای دوم حرف آ و هجای سوم لان خواهد بود.

بدین ترتیب، قسمت اول ریشه نامها (نام اصلی روستا) "ساغ"، "ساه" و یا "ساو" بوده و قسمت دوم آن "آلان" خواهد بود.

#### ۴) نظر دیگران در مورد ریشه و معنی نام روستا

تاکنون، کسی اسم این روستا را با دلایل متقن ریشه شناسی نکرده و در این مورد مطلب خاصی منتشر نشده است. اما دو اظهار نظر شایع در این باره وجود دارد.

بهروز خاماچی، نویسنده تبریزی، بیان میدارد که نام اصلی روستا ساغلان میباشد. خود ساغلان هم از کلمه ساغیلان (Sağilan) به معنی دوشیده شدن مشتق شده است. خاماچی اظهار میدارد، چون این روستا در قدیم محل تولید لبنیات بوده، به این نام مشهور گشته است. هر چند کاربرد این نام توسط اهالی روستاهای اطراف، این نظر را تقویت مینماید، اما مشخص نشده، خاماچی بر اساس چه مستنداتی به خود کلمه اصلی، ساغیلان، رسیده است. ضمناً، نویسنده مزبور کلمه سهلان را جعلی دانسته، به زمان رضاخان و زمان تغییرات و تحریفات عمده نامهای جغرافیایی آذربایجان نسبت میدهد. علیرغم این، کلمه سهلان، قبل از رضاخان هم، در کتابت (و نه در تلفظ مردمان منطقه) برای این روستا استفاده شده است.

روحانی روستا، میرزا محمد ذاکری، شکل نوشتاری سهلان را درست میداند و آن را یک کلمه عربی به معنی "جای هموار" میداند که برای این روستا نام مناسبی میباشد. زیرا، روستا و صحراهای آن در یک دشت هموار قرار دارند. حتی در حال حاضر که سهلان، شهرها و روستاها منطقه توسعه یافته اند، میتوان به بالای بلندیهایی منطقه مانند عینالی، میشوو، اممند یا خواجه مرجان رفته، با نگاه به سمت روستا و صحراهای آن، به با مسمی و طبیعی بودن این معنی برای روستا پی برد. این نظر مورد قبول افرادی قرار میگیرد که به زبان ترکی آشنایی کافی ندارند و از دیدگاه زبانهای دیگر به اسامی منطقه نگاه میکنند. با وجود این، مشخص نشده میرزا محمد ذاکری، که در حال حاضر در سنین کهولت بسر میبرد، این معنی را در زبان عربی یافته است یا اینکه این معنی

را از نسلهای قبلی بصورت شفاهی شنیده است. در ادامه نشان داده خواهد شد که نام روستا ترکی بوده و دارای همان معنی، جای هموار، و یا معنی نزدیک به آن میباشد.

اگر سهلان شکل اولیه باشد، طبیعتاً در تلفظ روستاییان شکل آن باید ساده تر میشد نه مشکلتر! یعنی به طور عادی تلفظ سهلان، شکل ساده سالان (Salan) میشد نه شکل مشکلتر ساآلان (Saalan)! حتی اگر از سهلان، ساآلان بتواند تولید شود، ساغلان و ساوالان که توسط مردم استفاده میشوند نمیتوانند بوجود بیایند. یعنی سهلان شکل اولیه نیست.

من که بزرگ شده این روستا میباشم، قبل از پرداختن جدی به این مسئله، از تلفظهای ساآلان و ساوالان خبر داشتم و استنباط میکردم که ساوالان شکل اولیه و ساآلان تلفظ نرمتر آن است. اما با اطلاع از نام ساغلان و جمع آوری اطلاعات بیشتر به تلفظ کلمات ساغ و ساو در میان اهالی روستا دقت نمودم. در لهجه مردم روستا، حرف غ گاهی بصورت و تلفظ میشود. مثلاً اهالی آنجا، به پیاز (سوغان) سووان، به زنده باشی (ساغ اول) ساو اول، به پسر (اوغلان) اوولان، به سبزی (سوغزو) سووزو، به زاییدن (دوغماق) دووماق میگویند. یعنی در لهجه آنها، حرف غ به و تبدیل میشود ولی برعکس آن اتفاق نمیافتد. بنابر این، به احتمال زیاد، ساوالان شکل اصلی نیست.

## ۵) نام روستا در حال حاضر

در حال حاضر، در نوشته ها، برای نامیدن روستا فقط از کلمه سهلان استفاده میشود. رفته رفته، با کاربرد زیاد کلمه سهلان در مدارس، ادارات و رسانه ها، توسعه گمرکی بنام سهلان و ایجاد منطقه آزاد تجاری سهلان، تلفظ سهلان نیز در بین مردم منطقه به سرعت گسترش یافته است. این تلفظ سایر تلفظها را به حاشیه رانده است و با تغییر نسلها، تلفظهای دیگر کم کم دارند از حافظه مردم حذف میشوند.

## ۶) نام روستا در اسناد تاریخی

حدود سیصد سال پیش، در جنگ نادر شاه افشار و مصطفی پاشا به این روستا اشاره شده است. در سایت آفتاب، موقع اشاره به جنگ مذکور، نام روستا سبلان قید شده است! به نظر میرسد، کلمه سبلان توسط نویسندگان اصلی یا مترجم آن به جای ساوالان قرار داده شده است. زیرا تلفظ سبلان توسط اهالی منطقه مشاهده نگشته و در اسناد بعدی هم به چشم نمیخورد. علاوه بر آن، از سبلان، ساغلان نمیتواند تولید شود. در نتیجه سبلان شکل اولیه نیست. اما این سند، هم‌ریشه بودن یا تلفظ یکسان داشتن نام روستا را با کوه ساوالان تقویت میکند.

در سفرنامه جیمز موریه، نام روستا ساهاالان (Sahalan) ذکر شده است. موریه در سال ۱۸۱۴ میلادی یک روز در این روستا مانده است. به احتمال زیاد، موریه این نام را از زبان خود مردم منطقه گرفته و ضبط کرده است. نوشتار لاتین نام روستا مشخص میکند که قسمت دوم نام روستا آلان بوده و لان نیست. به نظر میرسد، بعدها

نوشتار همین کلمه با الفبای عربی و توسط افرادی که فارسی و عربی مینوشتند، باعث شده است که نام روستا بصورت سهلان تحریف شود.

در بیت زیر از قائم مقام فراهانی، که زمانی ارباب روستا بوده، نام روستا به صورت سهلان مکتوب شده است:

چنان منت کشم از عامل سهلان و اسفهلان

که گویی کشور کاشان و ملک اصفهان دارم

در تشریح جریانات مشروطه، کسروی و رسولزاده از نام ساوالان، اما امیرخیزی و ویجویه از نام سهلان استفاده کرده اند.

در لغتنامه دهخدا نام روستا ساوالان قید شده و کلمه سهلان وجود ندارد.

در سال ۱۳۱۳ شمسی، سازمان ثبت اسناد تبریز، برای سازماندهی املاک منطقه و تعیین مالکان آنها آگهیهای منتشر کرده است. در آنجا (که آگهی مربوط به سهلان، آگهی بار اول میباشد)، نام روستا، سهلان درج شده است. بعد از آن، این نام در مکاتبات رسمی به نوعی تثبیت شده است.

## ۷) نظر

با توجه به مطالب فوق، من شکل اولیه نام روستا را ساغ آلان(سah آلان) میدانم که از دو کلمه ساغ(سah) و آلان تشکیل میشود.

## ۷-۱) ساغ(سah)

در برخی لهجه های ترکی، به جای شکل مرسومتر ساغ، ساه گفته میشود. مثلا در لهجه خود روستای سهلان، در مثلهای زیر این اتفاق رخ میدهد:

سah باشووا ساققیز سالما! (معادل، به سری که درد نمیکند دستمال نمیبندند!)

بدنیمده ساه یئر یوخدوا! (جای سالم در بدنم وجود ندارد!)

سah-چوروک ائله مک (سالمها را از ناسالمها تفکیک کردن)

همچنین به جای ساغالماق(بهبود یافتن)، ساهالماق گفته میشود.

علاوه بر آن، محمد اولمز، در مجله وارلیق، در مقاله ای با عنوان، سالیرها(سالورها) شرقی ترین شعبه اوغوزان و زبانیشان، چند نمونه از جملات و کلمات زبان سالیرها را ارائه داده است. در لهجه آن مردم، کلمه ساه به معنی ساغ و ساغلام میباشد.

این دلایل نشان میدهند، این دو کلمه در زبان ترکی هم معنی هستند. از طرف دیگر، چون کلمه ساه در دیوان لغات الترک وجود ندارد، احتمالاً، این کلمه تلفظی از ساغ میباشد. ساغ در دیوان لغات الترک به چهار صورت زیر معنی شده است.

الف) عقل و خرد (ترکی اوغوزی)

ب) زیرکی و هوشیاری (ترکی اوغوزی) ...

ج) سلامت و تندرستی ... ساغ سو: آب سالم، گوارا و خوش طعم. ساغ ال: دست راست (ترکی اوغوزی) ...

د) نام ترکه ای که با آن پشم میزنند تا از هم باز شود. ساغ یاغ: روغن، کره. ساغ کؤنول یعنی: قلب پاک و صاف.

در لغتنامه جدید ترکی-فارسی شاهمرسی، معنی ساغ بصورت زیر ارائه شده است: زنده، جاندار، سالم، سلامت، تندرست، چاق، صحیح و سالم، سرحال، سر زنده، تیز، هوشیار، سمت راست، طرف راست، راست در مقابل چپ، جریانات سیاسی و اجتماعی راست یا محافظه کار.

## ۷-۲) آلان

آلان بصورت آلانگ در دیوان لغات الترک مکتوب گشته است و بیان شده است: آلانگ یازی یعنی دشت هموار، این تکواژه از کلمه آنکیل در معنای درب فراخ و گشاده به قاعده جابجایی حروف، ساخته شده است.

آلان در ترکی استانبولی به صورت زمینه، فضا، مساحت، منطقه، میدان، ناحیه، کشتزار معنی شده است. کلمه آلان در ترکی آذربایجانی به شفق، صبح زود، میدان، زمین مسطح در جنگل، گیرنده، دریافت کننده، دوست، همراه، پشتیبان معنی شده است.

آلان در نام روستاهای موسی آلان(مهباد)، حسین آلان (چاراویماق) ، خوش آلان(اورمیه) و آلانق(بستان آباد)، آلان براغوش(دهستانی در سراب که مرکز آن روستای آلان میباشد)، مارآلان(محلّه معروفی در تبریز) و غیره نیز به چشم میخورد.

## ۸) نتیجه

ریشه نام روستا، ساغ آلان (ساح آلان) بوده و معنی آن، "منطقه سالم و هموار" میباشد. تلفظ ساوالان از تبدیل حرف غ به و بوجود آمده، در حالیکه ساآلان و ساغلان تلفظهای نرم ریشه میباشند.

کلمه مکتوب سهلان، فارسیزه/عربیزه شده ساح آلان یا ساآلان می باشد. این کلمه توسط افرادی که فقط سواد فارسی و عربی داشته اند و از دیدگاه این دو زبان به اسامی منطقه ترک زبان نگاه میکرده اند، بصورت تحریف شده کتابت گشته، ایجاد شده است. نام روستا، قبل از رضاخان به سمت فارسیزه /عربیزه شدن پیشرفته و با یکسان اسامی در زمان او، در مکاتبات رسمی تثبیت شده است. در حال حاضر، این کلمه تحریف شده رسمی گشته، در تلفظ نسلهای جوان روستا و منطقه رواج یافته و تلفظهای قدیمی نام روستا را به حاشیه رانده است.

#### منابع :

- دیوان لغات الترك، شیخ محمود کاشغری، ترجمه دکتر حسین محمدزاده صدیق، چاپ اول، نشر اختر، تبریز ۱۳۸۳.

- مجله وارلیق، سال سی و چهارم، شماره ۱۶۷، زمستان ۱۳۹۱.

-فرهنگ ترکی-فارسی شاهمرسی، پرویز زارع شاهمرسی، چاپ اول، نشر اختر با همکاری انتشارات آناس، تبریز ۱۳۸۷.

-اعلان، ثبت عمومی ناحیه ده تبریز (محال سرد صحرا)، نمره ۴۶۰۲، سال ۱۳۱۳.

-سفرنامه جیمز موریه جلد ۲، جیمز جاستی نین موریه، ترجمه ابوالقاسم سری، نشر توس، تهران ۱۳۸۶.

- سس بیلگی سی درسلری(آواشناسی ، واجشناسی و فرآیندهای آوایی زبان ترکی آذربایجانی)، شاهپور نوروزی، نشر اختر، تبریز ۱۳۷۸.

-گزارشهایی از انقلاب مشروطیت ایران، محمد امین رسول زاده، ترجمه رحیم رییس نیا، چاپ اول، نشر شیرازه، تهران ۱۳۷۷.

- لغتنامه دهخدا در سایت واژه یاب:

<http://www.vajehyab.com/dehkhoda>

- سایت آفتاب، اعلان جنگ از طرف ابراهیم پاشا به ایران:

[http://www.aftabir.com/government/iran/history/duration/afshar\\_presence\\_first\\_side.php](http://www.aftabir.com/government/iran/history/duration/afshar_presence_first_side.php)

- دیکشنری آنلاین چند زبانه Glosbe:

<https://glosbe.com>

- یادداشت شخصی شعر از دیوان اشعار قائم مقام فراهانی.

---

**توضیح:** این نوشته، اولین تلاش با زمینه زبان شناسی و تاریخ می باشد. من زبانشناس یا مورخ نبوده و طبیعتاً به ریزه کاریهای این موضوعات نیز آگاه نیستم. به خاطر خالی بودن این مبحث مورد نیاز، مبادرت به تهیه این مطلب کرده ام. بنابراین نوشته خالی از اشکال نخواهد بود. از همه عزیزانی که در مورد آن تنقیداتی دارند تقاضا دارم نظرات خود را بیان نمایند.